

نقدها و بررسی‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

از دلالت بسیاری از احادیث قطعی تر است و این واقعیتی عینی و قابل مشاهده است؛ چنانکه به عنوان نمونه، دلالت آیهی «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا»؛ «هرآینه ظن چیزی را از حق کفایت نمی‌کند» بر عدم حجیت ظن، ظنی نیست، بلکه قطعی است؛ چراکه صرف نظر از احساس و وجدان آن، ظنی بودن حکم خداوند درباره‌ی ظن، لغو شمرده می‌شود، بلکه دور است و امکان ندارد.

رابعاً اجماع مسلمانان بر ظنیّ الدلاله بودن کتاب خداوند و قطعیّ الدلاله بودن سنّت به نحو مطلق، ثابت نیست؛ زیرا با توجه به وجود عاقلان و عالمان راستین در میان آنان، محال است که همه‌ی آنان بر چنین توهم مخالف با وجدان و محسوسی اتفاق نظر یافته باشند؛ چنانکه به عنوان نمونه، حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله خود یکی از این عاقلان و عالمان است و به چنین توهم بی‌پایه و نامعقولی باورمند نیست. وانگهی چنانکه در کتاب «بازگشت به اسلام»^۲ تبیین فرموده است، اجماع حجیت ندارد و جز درباره‌ی ضروریات بنیادین قابل احراز نیست و به فرض آنکه حجّت باشد، در این قبیل قضایای اصولی به کار نمی‌آید و تنها در قضایای فرعی کارایی دارد.

حاصل آنکه ظن حجّت نیست، ولی محکّمات کتاب خداوند ظنی نیستند و تمسک به آن‌ها بر خلاف تمسک به متشابهات آن، اتباع ظن شمرده نمی‌شود، بلکه اتباع یقین است؛ چنانکه خداوند به صورت محکم و قطعیّ الدلاله فرموده است: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ»؛ «او کسی است که کتاب را بر تو نازل کرد، از آن آیاتی محکم هستند که اصل کتاب شمرده می‌شوند و آیاتی دیگر متشابه‌اند، اما کسانی که در دل‌هاشان انحرافی وجود دارد از متشابهات آن به دنبال فتنه و به دنبال تأویل آن پیروی می‌کنند»؛ با توجه به اینکه متشابهات کتاب خداوند بر خلاف محکّمات آن ظنیّ الدلاله هستند و به همین دلیل، پیروی از آن‌ها بر خلاف پیروی از محکّمات آن، جایز نیست، مگر بعد از رجوع به خداوند و راسخان در علم برای قطع به تأویل آن‌ها؛ چنانکه خداوند فرموده است: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ»؛ «و تأویل آن‌ها را جز خداوند و راسخان در علم نمی‌دانند» و روشن است که رجوع به خداوند از طریق رجوع به محکّمات کتاب او ممکن است و از این رو، می‌توان تأویل برخی متشابهات کتاب او را با رجوع به برخی محکّمات آن دانست و رجوع به راسخان در علم، از

۱. یونس / ۳۶

۲. ص ۵۲

۳. آل عمران / ۷

۴. آل عمران / ۷

طریق رجوع به خود آن‌ها یا رجوع به اخبار متواتر آن‌ها ممکن است نه رجوع به خبری واحد از آن‌ها؛ زیرا خبر واحد از آن‌ها مفید قطع به تأویل متشابهات نیست، بل مفید ظنّ به تأویل آن‌هاست که ظنّ به ظنّ و تاریکی بر روی تاریکی شمرده می‌شود.

بنابراین، اصل کتاب خداوند که آیاتی محکّمات است قطعاً الدّلاله است و تبعیّت از آن جایز، بلکه واجب است و بخشی از کتاب خداوند که آیاتی متشابهات است، ظنّی الدّلاله است و تبعیّت از آن جایز نیست و ناشی از بیماری دل شمرده می‌شود و باید برای قطع به تأویل آن‌ها به محکّمات کتاب خداوند و راسخان در علم رجوع کرد و این قاعده‌ای است که درباره‌ی سنّت نیز صدق می‌کند؛ چراکه بخشی از سنّت قطعاً الدّلاله است و هرگاه قطعاً الصّدور نیز باشد، تبعیّت از آن جایز، بلکه واجب است و بخشی از آن ظنّی الدّلاله است و تبعیّت از آن، هر چند قطعاً الصّدور باشد، جایز نیست و ناشی از بیماری دل شمرده می‌شود و برای قطع به تأویل آن باید به محکّمات سنّت یا راسخان در علم رجوع کرد. این دینی است که خداوند برای بندگانش کامل کرده و به آن راضی شده است و منصور هاشمی خراسانی آن را «اسلام خالص و کامل» می‌نامد و به سوی آن دعوت می‌کند. آیا به راستی آن چیز خوبی نیست؟! خداوند به همه‌ی مسلمانان توفیق انصاف بدهد.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی
 بخش بهره‌رسانی بقره‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظاً لله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.